يوديسيسه ، مهد ۱	المراجع التصادي	فما ۹۹۰	
۲۰ ذیفعد: الحرام ۱۳٤۱ (۲۵) وَوَلَبَه ۹۲۴ این روز نامه بدون لقاضای کتبی برای کسی ار سال نسبشود وجه اشتریسیسر اك :)))))))))))))))))))	ج سر طیان ۱۳۰۲ بر مسئول : داور سلا لات ۱۰ هامی ۵ ه	۱ شنبه ۲۳ بر جناحب امتیاز و مد
أرین اندی اعلان در جراید دارند وقتی تی خواهند جس بخر مودمی که عادت باعلان در جراید دارند وقتی تی خواهند جس بخر می دانند بکجا ها باید رجوع کند وقتی می خواهند مناقه نازه بکبرند میدانند کجا ها باید رفت وقتی می خواهند منتخدم پیدا کنند معطل تخواهند شد وقتی مریض تی شوند فورا آدری چندین دکتر معصروف و سا	پس اکر با مطبوعات هم نشود افکار را تغییر داد چه باند کرد م بلکه دکر هیچ رامووسیله می نیست م چرا = هست م	مطلب فومیدن مشکل . از فقر مردم هم صحبت نمی کنیم : نکفته . لموم است که اکثریت مغالیروزنامه بخرپروپا قرصی فیست . کسی که با • حسرت الملوك ، – کباب جکرك = باید بسازد وبا ، یا	ی دواشت یومیی ی دواشت یومی ملوری که در د یاد داشت پنچشنبه نو تتیم بترای هوض گردنی روح ایرای به مدرسه نمیشود آمید

خلاصه برأى ناف نكردن وقت و هزار قسم سوفه هاى لجارتى ادويا أى به اعلان معتباد است __ بموای اینسکه مردم ما هم عادت به اعلان کنند و زیاد اعلان بدهند ما از این ناریخ قبت أعلانات را بقدری ارزان نمی کسنبم کاعلان کردن من بعسد از کم خوج ترین کار ها است ـــ قیمت را در سر لوحه دوز نامه پخوانبد ولی بدانید که این قبمت مربوط به اعلانات رسمی نبست .

مر دارداخر (دود) بدو در ور حد مر المواليمكي الد مدر داخل جديات امبر كبير اين جانبته واالينه Mine in state of white on a for and the site and the

المرد والجلو والمحكم والمراجع غرافند فرود

ت ک درس اور جاید که حازی نيخ ديدي المستركيونية بياري الدينية مع ... نعب مي كنه .. الله جد مېفهما نېم 🗧 ا و فنى فلا معلكت ما كار خانه قد بازی منلا باز شد در سورایی موفقیت پېدا مې کرلا تو منتری زیاد داشت که قندی که در این جا درست می گردند

آرزان نر از قند خارجهمیشد. و لي خون الدول حمايت لجارت

کارخانه رونق بکبرد

چطومی ۲

در ایران وجود نداشت ـــ نکداردنــد

学校的第三人称单数 تعر فك جديد البته دو سجرايد خواند و آيد كاز

عد الله والله - الدادينية -كمرك (زياد از غلات في إوزاق والزمه م كرفت + موجع المسان خودشان مجيود شوند كمنهم فكارند و ازخارجه بی تبار باشند 🔄 کا در موقنم جنگ آلمان اختباع به فناكك بيكانه نداشته باشد واز محاصره قهراسد. ار امامن دوم امتول خدابت المجارت بورابن است که بوسیند نخفیف سزیار ون حق کمرك مواد خامن ک منابر علسكت معتباج بدانات غرقدر سنتر

النبائي كريمتدار خبلي زاد وادد مباكن س شود جزئي آخراد آخذ مل شايند و ان ناج استود ب مالکن ک حب پایند و تکی حواقت (ز_م جانی کدیند اندن حمایت (جارت را مرکز کرفتانه الجور البولي مرجع جبر المتكان STATE AND THE REAL بالج ورويد بمترجيات والقرر المحادر

الل عرف ک منجود سالی اس والمجاورة يلجني وسيسكم البهت والمل بالله ور...

حندي قبل کميتون جنتلمي دو وزارت

اجور خارجه الإرقمايندكان روفي وايران لتكبل و متنوك لهبه نعرفه بعد يستمتن برای مر^{اد} می**ا**شند . جای **پاستیاسی** كه زيامداران اعدت نبكرده النددر ابن قبيل موادد مامه را از موانيسا كات مطلع سازنع تا اهله فن ويقيهم فقلهات خود وا اشعاد دارور و مجاری کا میتود است از بهی هرده بیمولند توجه نیم نه کموکی بهن هنگه میساند الحاد بد مناكل مكن المد (به امری کر کے بوت زندہ افرد نے پا يك هر فه مو كن بد از ميتان هووه هر مُنا کمان کر بخرات اقتعادا 'بَنظ رُ الوسعه حاسل كنام الوجه بنوي والشوى امرده کر کی مطوق خاطئا نے میںکے تامه عاى لجار لي را دورو وقد كمعل قرار دار و مخبوسا به قرارداد جارای وهما يكانش أهميت داد . ابن اقدامات - ابن نوجد اسباست

نجارتي من تاجد و سبات تجارتي تو مملكت بما هبيجوف وجود تداشة زيرا مر دم یا و ڈیامڈاران یا معنای آن ڈا

این معطورت همه بکنار 🗕 ولی ان محدرین عالمی که بابد افکار مج و گوله ایرانی را موض بکنند ار و ار مر مدرد به اند -بود عليف فلن جاهل زوا المدوس جاهل و ميداند د من - آن به اللا لله ترجي ليدهند . أوخدين اشتام كامتل فويريده نگار شدند = از. دردوامرکرهشان

ولى الله ، خوش باشد كجا المكررو زنامه

خربدن خواهد افتاد م

بولق، المسيح باین اشرال سلزد است -اغلب ــــ به قباش مرفعي وروكله نویس خراهند شد . · سابقا حدر باره یکی از طبقان م

میکمتند شرط بیشر فتش کی سوادی است وبی شرمی. الد مين حدف را امروز قر باب

طبقه روز نامه تو بس به کوئید کمل اکنیہ ایہ .

صرف نظر از اينكه چهل پنجاء مال ـــ شايد هد بيشز 🛥 وقت لازم الست تا ازراء مدوسه بتوان كارى ود مالوه براينكه مارف كافي داشتن و کیے کہ یا اور بن بن جا است -الله الله مر المرار من كر باد e and a second » تىربە وقى قۇ تاتىلارد ق مول الت 6 منهط عارج بي علاف المحج منبعه يكرك مخز يكس معر هد د من الله المعلم محمد مر الله المعلم فرودون وردان مرتار وال Walk sealors of Jacob هراب ر بدر. - ز بر . طلولیت شنیده است که مشافریت با لبار، جز از مند ١١ بالكي است -میکن نیست روع این ملغل واه لعني را از ضروريات زندگي بداند . بس برای تغییر شریع افکار مردم

وار بود .

بابن نر نبب که مطابق قواعد سباست لمجار ای 🚣 دول خارجه به الجار خود أعانه مخصوصي براي از دياد ا صادرات میدهند . مثلاوقتی - کار خانه بهریزك ها نر شد روسبه به نجاری که بایران دادوستدداشتند إعانسة فوق العاده داد بطوری که قند روسی بسه قبعت هېچ وارد نهران می شد . در این صورت کار خانه کهریزك نمی نوانت رقابت کند و دانما خارت بکند . آین بود که کار خانه نعطیل شد . المعالم الكنون دارند براى الجاعر فهجديدي

وادوركنند . اور الما ال المتحددة العزيكاي شما لي وقتى آزاد شەند ۇ از رقبت انكلبس میرون آمدند اسول حفظ اجارت را بېپې کرفنده د ا امروز هم آن ها معتقسد به همين آمول هستند ولی عللی که در مدوچهل مال قبل أمرية را وا دار به الخاه این اصول کرد غېر ازعللی است که امروز موجب للغبب آنشده است، الم ما برای این که اصول حسایت كجارت را فاقد بوده ايم تتوانسته ايم صنايع داخلي خود را خط يكنبم و تكذاريم از مَبَانبروند 🗧 🔬 برای نداشتن مبالت الجار ای بوده

الازاليع به المرقسة الكمر كنتى الله اكنون دو شبستم در عالمتم وجنود دارد : 1 مرجع مرجع مرجع مرجع LIBRE ECHANGE -كه ما به آزادى ميادلات اين الملسلي ارجه في كنبم محدد و الله ا PROTECTIONNISME 🔤 🌱 🗄 که انترجمه آش امتدول حسایت لجارت مبنود المحاد الأيون المحاد ال العِنه النظار تداوية ذر ابن مقالية دو الهيستم فسوق برای شما لدريج شود ه ببان آن موجب أطناب خوامد بود ولي بواى اينكه مابقى مطالب راخو ب درك كنهد معلمتعثرا می کو ٹیم کہ درمہا لگی کارڈ یم آ ڈا دی سیآدلات حکمتر ما احت از اغلب واردات کمرله در یافت نمی کمنند و فقط از

البته 🗕 این کاعدہ کلی 😸 استثنا در هدین طهران د بارم حاضر تك و توك روز نامه نويس حسابى هست - ولى ادل هان المت كه کمتیم ؛ تاچندین سال دکر از مطبوعات ابران – بطور کلی – هیچ کوقع و انتظاریے زبابد داشت ، اکثریت نویسنده های ما جاهل و مدن و بر ادعا خو اهند ماند و روح ملی را سال بسال خراب تر میکنند .

ولی چه وسیله و 🗧 معلبوهات ٩ و بچه موض گنم و است فد واقعا _ فرینش هم مضحك انت ا مهر ما هچ گار ندرید که ملت بی مواد بلد ثيبت روزنامه خراند . از این هم میگذریم که اللیت * ملا " --- باحتلفاىعده كى = فقط گوره سوادی دارد و با اینطور مایه ها روز نامه خواادن سهل است ولی

and the second state of the second second

الدان بايد بوسيله ديكرى متوسل شد م

وي، ٢٠ ذيفال دوست لخاموش فشده سبب أين خريق المدينة ما كردويد و المت من الم

المحافظة المحافرة أبدني وأنك ابران المحمد المحمد وي تشترات مددر (بۇكان) المسلم شده د كتر مبليو مشر (كلامان) والمناقبة والمعد واشتكتن المراى وياستابانك أيران با اطلاع آ قای مبرزا حسبن خان علانی وزير مغتار دو لتعلبه ايران مقبهوا شنكتن ی کنترات نموده در آخرماهجاری (ژویه) بابران خواهد آمد

- بي الله الما الله الو قبف [ملاك ا مستريفة كليه إملاك آقاى حاجي امين الغرب يسبب مجراان طوف وزارت ما ابه در متابل بدعي الم الم الم الما تك اليوان دار ند او قبف المو دند ی برای برداخت بدهی خود حاضرشده الله المحاسنات خود قرا ما المانك مزيؤ را النوية ter a second to the factor of the factor فاستونى إعلاء می ایمرد استونی ایمرد . محمد از مدتوره فاستونی ایمره بيهار اعلاءكم بالنم بر بيت قطعه نمونه الهم وجنانه إبت از كار خانه غلام نامازيزد مول بالم بوذارت فوائد عامه والجارت فرستاهم ندو نه مای اعلای آن از قرار «دعی مجها ر ده المهية الي وقران الفام شده من المراجع المدين

ا الله الله من الى طرف اوزارت المادر المو ته هاى المجار الم والمالي براي أقاق عالى مشاهر المعادية والمعالم والمناجزة والمعادية والمعادية المعلمي والمسال لم كالاتله الم مواى التويل والعجب ماخل وكاوتنا له فالتوني ماي أو ترك وا مرمعه ولا بلوته إماده زمارش كاء بمعرفهما كالروش And the second s الما المحالية المتحالية المتحدثين المحالي المحالية المحالية

المحالية المحالية المحت استان عوال ال الم به و كينو (مروق موران مور ما الى مدن اللهار في عبري والله ور الن الم حد الحوراي مالي ترالا مقلة تو لار خفتو في شرك ا الم المحادثارش مداكر. مبتعودند الربك المعمة المحام المعاد فارس در ۲۰ کمیووسیون السام شور امتعه قارس را در آن شعید به من من اس و میایمه یکدارند 🐘

ترلوك هلسوما لمام أدامي وينظر بماهميتي محمد ما بن واقعه قشان مي داد متاثر شده پېش فت وي الماس آبيد المان المان الماس الماس الماس المان الماس المان المان المان المان المان المان المان المان المان ا بده مادموازل دستانز آزاد است آرسن لبوین کفت : _ آنجا در کنار اطاق عصای آرا می بینی او را بن دار وا دست سر آذرا فشار شختی بده و آن مبغ آهنی را که در له عصاواقم است بجرخان از مبان بازخواهد المدادر قسمت ادستكمبره عسا أبك كلواله ازلاستبك · است آنرا بياره كن در تُبانش الماس آبت من هلمس بدون معطای عضا را بر داشته همان كاررا كردو الماس آبي را. بوأ داشت تبعد كفت ? مميولوين خاطر جمع باش مادمو أزل دستا نز آزاد 🦷 آرسن او پن کمنت : ـــ همېشهازاداستوازهېچ کی هم اندیشه ای زباید داشگاباشد ؟ هلمس: بلي شتر ديدي نديدي من اصلاخا نم موخرمائی یا مادموازل دستانزرا نسبدانم که بوده چه كرده و رَبْجًا أَسْتَ ؟

علت استعفا م از قرار حقبقبكمدر أطراف استعفاى آقای ظهیر الدوله از حکومت طهران مُعْمَلُ آمده است قُطْرٌ به يارةشا بِعَا لَبِكُ اطراف المتخابات طهران و أو ابسع جزيان دارد و بعضي از اعضاء انجمس نظرارت مركزي أمم بالماء همان شايعات لمارض الموده الد اوده است والى با وجود استنفاى جدى ، آقاى ظهير الدوله النوز از طرف وزارت داخله كانديدي برای حکومت طهوان در قطــر کرفته نشده با که عقید. دارند که انتخابات چون در زمان حکومت ابشان بجریان افتاده بيايستى بالمضاى خود شانخالمه - Al Brecher and All the sel میں اور مایای شہریار 🕴 🐔 رُوْز كَذَشْتُه مُحَدَّدًا بِكْ عَدْم ازْ مادات شهرياري بوزارت داخله آمده شكايت إز وشم انتخاب اعداء انجس يمار از طرف حکسو مت مي نمو دند. آ قامي حاجي افخم الدوله البر دراد» مر کر حاضر شده مدعی بودند. که نتخاب النجمن تو التي قسانون بوده اليت الالحره" المديد مو كون بوسول إيرت منتهى امزامي الو وزارت داخله کردید 🕺 ين با الما يحاد الما ب

···· تتوى آثان ملي (أشكله من مانته ارای در کادر اکبود ابو و اسکار وظلة غربتك لجواهنه أموداو ليوج حیکم وزار نی بابت ریابت مازنید. ایجان او علاقه او د سامون مالم او د محکور م معمولا است کالمیمار میدا میرانی مان استا متولاهم کالایز عباق ملیوی وی ایمان مدینه میترا از مارن فروهان: ٢- يكناك مر في قبودند مور دالره نجادت بوده بشقة لامترى ور. النه مراجعت نماید میشود.»

يتما يم

خربا أني • • •

الله ب*ا* مر ف از اد ا

نصويت أأمة آد د . كا ببنه سام بق بادر شد. بود روز ينجننيه كذشته إن طرفوژارت مالبه پرداخته شد -1-1

رُوزَ» ينحدنيه كَذَشته آ قَايَان مَهَامِـ لدوله و مهام الوزارة در خدمت آقاق لعتمد الممالك منزل مبرزا على اصدر خان حکمت رئیس گنتیش وزارت معارف ر فنه ر فع المدر خاطر آقای حکمت را نمو دند اصلاح بين آقايان فوق الذكر كاملا لوسط آقاى معتمد الممالك يعمل آمد نتبجه اصلاح را به بارک بدایت لبز إطلاع دادند كهدوسبه ضبط شود وقوع جنابت المحمد روز ينجشنيه شبف أللة نامخواهر خود فاطمه زا نخضرت عبة العظيم برده ر مراجعت پېباده بطرف شهر هي آيند لليف آلة 🖉 كنار لخند في شكرم اطمه را پاره نمو ده فش او در به خندتى المداخته فرار في تخط آزاديه صدای ناله بالای سر فاطمه وقبسه او الجنبق مي المايد و معلوم ميشود ۵ او اد شراو را وتصد اعداد زده نورا او را بمريعة اله أودد سبب الدرالعتب

المحنك فاصلي أ الم

ازقراد خبری کم از ملایو بوزادت كالجله وسيده إست فتعط على خان أفتر منام باحسنخان ومراعران وعموزادة كان لجوء حذا يقتعون ولدو خوردا حذن تللئ العد الموقق والمتر المثلة الجلين تتوقده الما تبات بالمحاج المراد ال ور مو و مان دو ایندی استونی مروضه است. در جاب ایمان معیوله دون و ۱۹۹ ، در برد به نودوم. کردم، از مدید . در جاب ایمان معیوله دون و ۱۹۹ ، در برد به نودوم. کردم، از مدید . مدیر در ما المسالة قرار أراية الماجة المادية المادية المراجعة بالالتج المجود المكومة مادان، كمل ارزاق رسبسه، أاست ابن المحاك اعصان المتحمن الطنار د. هزار لومان الرجبه الحريد كه المالعند جروال استدم بس كن والادمي المحيدية خود والم در منجد السمي

نود و از این خود و سبح دان شهن المعنو له انتخاب مامو دین شعب فرعبه الاین نكليُّ النهبر أمستودم أو كأملا منظم شده الشدند شريف الدلماء هو هاواز خواد را است ، د این از این از این ا الشكبل كمسبون

> نظر به شکاپتی که منتظر بن. خدیمت زارت مالية أز عدم اجراى قانون استخدام كمورى به مقسام رياست وزراء موده بودند لمقرر كرديده در ظرف ین هفته کمسبونی از رؤسای وزارت البه تُحَرَّ آنَ وَزَارَ لَخَا لَهُ الْمُكْبِلُ وَسُوا بِق نظمه منتظرين خدمت را كم در أدار. يرسنل موجود است لخت نظر در آورده قانون استخدام كثورى أطبعق و الكُلُّيف آن ها رأا درحدود قانون الهبين Second Second Second as 12

ه القاضاي مرخصي آقای آمبر اعلم شه ماه مرخصی وزارت علومومعارف براى ممافرت با نېشا بو رو نړيت کجهت کمک د به در از ل. ديد كان وسبل زده كان درخواست نمو ده ر غماب خود نا بَبَر و أَمِسْ. مُجالَى حفظت المتحه را برای مسلو ابت امور ات مجلس خفظ الصحة بان وزادت خانه معمن في هندا د الم الم الم الم الم الم الم الم الم الملكي . أعطاي الي

آقای مبرزا احمـــد خآن عضو ادارم شوكومتى جلبله طهمواط بو طبق بيتشهله حكومت ولانحويت وزادت وليله اداخلداز بلوفية إعلى حضر شاقدس هدايو في مانه والقيرة (رعدقا عرا النباطان م) مقتم ور

مرد والد والمالية (معمله و معالم روا عن) من اوقات حله دوزه دوزی جهال حد الی از اشخاص جالج لز بی خرفی شده و

ر تُبس النجس نظار مر آزی دانسته اهضا

دائمنان محد ديشب دو اذر سارى از فات شاه مصادف وا عياس نام وعبت بهر شده و با النمك أبرى به عبساس کور ژده بك نفرشان فرار و دیگری که اکثر نام و سابق قراق هـم بوده رار کرده است دستکبر و در اداره كومت حبس است آلان جنازه عماس مقتول جمعبت كشبرى اززن ف مردبايك حال يريشاني به الكرا نخانه آورده اند و هر حة اصرار بدقن مي كنبم قدول ا نہی شود خود مقتول قبال از فوت به ا طبيب اظهاره كرده است همسين آكبرا زاق قاال است از طرف حکومت برای استكبري فرادي هم مامور وفتعو مادرو واهر مقتول أستدعاى قصاص مي ندايند ر موقع دستکبری اکبر حس کستك خورده که او هم مشرف بغوت است

. ناخبر انتخابات فرجز _ بعجمد الله أمنيت تعاليه **ماوز دواین نقطه اقدامی برای انتظارت** نده و حکومت بیتل میتور مرکن ایانی ات های هییده

المريد في المراجد والمداح كلك WALL BUT OF THE STATE -----والارجاعة مثقله أو تشار مورها مل ببدا نكرد. كان و كرة جواد راني ا مواد ان الد الديم المراجع

مان ــــ المتما وختين الدلاء در. **الرس**د ساور سابق بافي الهالي فيبددا ور لياقع العطبل عموجي همتند در حكومت معطي اى لمېين. تغار ئېكىيل ئىدە تىۋە ئاۋ. طرف علماء و إهالي ججازجوان داده

فبقه بمنوقت بدهبد المحمد ا کانسی امار حکف : ا اسدا مسکن بلك و بادر أخمسن اشدروع بسه معيش كاغذ ها و إسبا بهساى لوى أطاق شد الفساق بېك په كنتى رسېد آلاسن. او بن يكمو ايك فرياك دَى : - آن كاغذ أوا بان كن اوا بغدا زيرا ان کانی ماد 🗸 سفت ؛ 🗕 کی است انزن و آرسن، لو بن بحفت : ﴿ از طرف يك خانم بسبار خوبی است موسوم است به مادام کانی مار. کانی مار سخت عصبا نی شده کفت بعنی خبه ينحرف خبلي عجب است در اين ضمن از اطاق دیکر صدای چند نفر از رفقایکانی مار الد عد كوركفتند المتشات م أيدار فتبحه إي نداكم أست اوين أشروغ بخنديدن تموده كفت : ٢٠٠٠ شمار لصورمی کنبدخورت رفقای من یاار نیاطات مراغ أمراطور آلمان مثلا يبدا كنبد امام اسرار ن درین او له صوت است که در کسار اطباق ی بینی و درین مجرآنی است که در بدنه دیوار ر نېب داده ام ، بېاجلو کانی مار فشار. به اين . کُمه بده نا دَبوار بازشودکانی ماز از زوی حس کنجکاوی که داشت بېش زفته مر قدر فشار بسه

and and appending the second second

مد از آن هلمس بسبت کانسی مار، بر کنته ا قابو د شد کفتها بدی و جدون آنکا بخواهد دیکر شخبتی آرسن لوين فرياد كثبه خلص مغبر ب نْمَايد كَيْفَتْ: فَسَبُو كَانِي مَارَ فِيْحَشِبُهُ مَنْ دَيْكُرُ عقيده بكار كردن ندارم حالا هم وقت ماحته خطر از قول من به منبو ويلمن خلام دوستانه ورسان و اجوا ايرسي کن تداوم نايكاعت ديكر بابد بوطنم انكلبس مراجعت این و ای املا تجو این نشنبده پش تر و کرد به کانی the state of the second second state of the second second second second second second second second second seco کفت : در زفتن بوضع انکابس همین است ک ، کانی مار کفت : 🛁 پس خاند ديدي لما فرا تسويها همجوقت بإينقم در حنين فوقعي يا اين بي ادين جداء از هم نشيشويم ، مخوب ا هلمس کمفت: 🗕 من اردا خذین شخصی را نسی حالا كان أمار أو جه أمي عو أ هيي د بكتو شناسم المجريح فيتحدث والمحدث بكنى كأغد ها و استاديكه از روى آنها بتواقى كانى مار كفت : 🛥 الآن او مبكنية. مرا محکوم بنما تن فر خای خاطر جمعتی هستند الوحجبزى دستكمبر شما ممبدود ويعيد الله المعان المحمد المحمد المستحمة من جه مي دانسم مي 😤 *حالا ، زود * زود هر چه می خواهسی بکنی خواهی او را دستکبر کن می خواهی آزاد کن النجام وده المراجع المحاجة المحاجة المحاجة المحاجة اينهم الماس آيي است كه بايد به كنتس كرزن كانتى مار بكمفت الم الحس معلوم مى شو د دېلى عجله بدهم ديكر خدا خانظ کا تی مار کفت :۔ خانم مو خرما تی جه آدس او بن کمنت واخع است من بك ملاقات می شود و لازمى بأبد: بكمنم المرتجمين المرتجمين المرتجمين المرتجم کانی ماد کفت : - خط و باکی د هلمس کمن برو بېدا کن 🔨 🗤 🖓 و کلاهش را سرش کذاشته به سرعت پا آرسن او بن جَمَعَت : سَدر ماعت دو بايستى را بفرار کذاشت دو دقیقه نکذشت که از نظر این ملاقات ضورت میکرفت الان ساعت سهاست پنج 化二酮 海洋流动 化偏衡磁谱 化热量不同温

网络网络斯特 网络阿拉伦斯特 化增强性 化橡胶 化合合质 机合金数

water in the second second

ا ترقب أن ذها ، بإيد در الطر، بكروند که ایران از این به مجمد باید خودش دارای سنغت شو د م بعضی از سنا بع آست که ایران استعداد و وسایل آیجادآنرا فورا یا در آلبه خبلی از دلک دارد . بنا بهر این بآید. اسول حمایت لخارت را در آدوین این آمرفهٔ کر کیکاملا مراعات کرد ، هرقد، ما این ممثله را الكرار كنبم كم كردة الم مريك اخبرا دو سهکار خانسه در لبریز السمين شده : ی بکی کارخانه کبریت سازی است۔ دیکرکار خانه ویـمان با ی است ۱ کر نجنا نجه العرفه جديد كمرك ما إين دو كار خانه را حنظ نكند مكاحبانشان ورشکمت و درت آن ما بسته خواهد شد مرمايد از روى حاب أمرف أي ا برای حق کمرك ورودی كبريت و أخ مىن كنند كه مال خارجه كران وارد شود ألم يال داخله بفروش برسد و أين دو مندت در آ ذربابجان شو بی شو د. الكران الراب مراعات نشو دمما كمي كه ينى تفرهمة يدى كيريت ونخ واردمي كشبه بانداز ادوان ننع و کمریت را در نتریز خواهند فروخت که حاجبان کارجا نهای الدوافي ورشكت خواعند شد. لدور فكنبد که از یك مندر موقتی انها ارس وداهما داشتهاشتد مخبر ا امروز خرد می بینند و ما ملا مل من كنند ما افرد ا مجارت ول معتمد المخوف كمناج حمين آكه أدر العيدن فيسمتدينو فق شد ندة أنو قت قيمت مأن التحاده دازيادمي كينند - اين قدر زياد ميكنند ، المجدان خدارات بعدل (د.) محطويت و منتخبر الحامثان و في مضنوعات دركرى فيعلت كه إبيه در خاطر كالمته باعتدو را ای آن از اسو لی که کوشزد كرديه غنات نكسند أمبد واريخ فكات مهمه ايق مقالدوا تمايندكان أيرانى كمسبون مختلط در نظر کرفنه وسمیمم خواهند

Y antin

• • بقارس الفريد' موكز ياريس الت م عمارت بزركى بشكل متوازى الاضلاع متع طول ٦٩. --- به به رض ٤١ و بار لها ع ٢٨ متر لار توضط ميسدائي ساخته شده . كف عمارت ذو متر و نبم از سطح خبا بان بالاثر است .

😤 در حهار طرف 🗕 ۲۶ آمتون طوه منا را نكاهداشته . تين اين ستوق كما و المحما رق غلام کردشی است که از دوسمت اِبْنَا السلَّةُ شَا نَزْدٍ مَعَامِلُهُ كَانَ اللَّمَا ﴿ إِلَّا جُهُ آَنَ هدایت فی ترند او 🖉 🐘 الله لجهار مجسمة بزرك هر حقار زاويه عدارت قرار کرفته : یکی عدا لت الے ت یکی تروت 🖉 یکی فراو (نی - یکسی احتباط كدمخبله مجمعة ساز هاىمعروف فرانسه بوجود آورده است ، ابن خبه عمار ای آست؟ معبد آست يا تمايش كاه ? لداخل تشريد ف ملاحظه عجب سالون بزر کی است ! جـه طاقه تما هاى ظرينى دا اطراف دارد ! قريبً حزار نفر در این جا مدغول داد وي بعد الد المام باقتيا بد فكون : كو في آ ليه آن در مهرمی محاطره باست ه کرچکی در وسط این سا اون المحرطه کرچکی است که اطرافش طارمی آست . دراین محوط شعت ةاويا مو و مبا دله در خر کت انده با بمعايكو إشاره مي كنتع دو د قتر الفلي خود البت ، برمي دار قد م ومعنى ها قبمت اسهام دو اتى وإجار مي زنند ، جه هميمه و الادخامن ا ب این جا ^{می}کجان است ۲ این جا میکجان است ۲ اینجنسه اورش، بادیمی است ۶ ا الم بورس بغلالى المت كا درليامات معين الو والخرية الراو الغروشند، مساعية مال ا تجاره 🛶 روات و غير و در آن لچه جمع 🗕 ويوسيان پامورين وسمىمياداد-دادو استد شورت وقوع يبدآ في كند . شهر های بزرك هريك پورس دارند . عده مامور بن مبادله بسته به مزان دادو

متدارت ، د، پاریس بن عده بشعت می زمد ،

🐏 کوں او قبی کہ تو رس کا لر ات 🗕

ا ابن شصت نفر در محوطسة مركزی سالون فزرك ايستاده أنسد ، مردم الله آنهارا مي بينند ، آن ما هـ. يكديكر أهعا ولات خو دراا نجام مي دهند ... ا هر آکس منال بهمی میخو آهد بخر د 🔔 قمل از افتتاح بورس ڂ یا در موقع از بو دن آن 🗕 به بـکی از مامورین میادله وجوع می کند . این مامور از همقطار ممای خود که فروشند. آن سهم است آذرا مبخرد . کاهی از او قات به يك إشارة في قه إلى كلمة معاطله ماورت ميکيو د . ايا اي اي هر دو مامورمبادله موظنندوقوع آ ذرا الدن د فتن خود فورا البت كنند . منزان انتماع را شم وبد به جارحی يورس همان دقبقه خيردهند ، اكر شهمئ که فوقحته شده از اسهام کولتی است و مقد خر ده اند جارجی مبران آنرا الجار، مُبْزَقَد 🕮 اکر آنبست بوترایل دیکر: بمردم اعلام می کند 🕷 . همین که ساعت العطیل بؤرس سبد أمام أما ملات قطع مبشو د . ما دو وين ميا د له

ا ا السبو الدين من الله الله الله الله الم

جدم مبدو ند ا مهشو ند مرتبه استهام و سال النجاره هما و بروات و غيره را ـــــ از فوقى دان ق متعلما في كرد، أند - معين ميكنند · فوادا- جزائ دولت مليفر مديد ودر همه جاتي د دبا کنلاخ ، میدار ند . ۲۰۰۰ میلاخ ، میدار ند . ۲۰۰۰ مال دا نیتبد بودس جبت ؟

همیته _ در ادوار کذشته، دن ممه جا مرسوم بؤد که مردم ایت دهکده يا يك شهر ال كار تقطه اى فجديم مي كرداد و داد وسته ها در آن محل واقع في فله . آن المكناء و آن معا ملات المحاد المحت الطليم في السبق دون والمدة بورس في الموار ور سنش فر منعي المو شعل المنظولة المروز. را التكل دارم است ، بابن التلعب می لیوان کتمت که بورای جنوب شهر 🗕 جبعات المينا الملطان بك موع يودس ات . المحقون أده كرات كريبا أو إشفا ها إذ ما سؤال كرديد راجع به تورش اطلانات. يساريون فكليل كينابع معه فوصتن إبن مقاله منا درت کرد م وا البته ممکن بود بك

سلسله مفالابته فنی در این موضوع نوشت

CALD IN THE REAL و الربخ ايجاد بورس و كېفېتوقوانين آنرا در مالك مختلفه يبان كرد . واي خِنْين مقالاتهم در رُوزْنَامُه بومبه مُتَشَرْك المي شود ، مرد آزاد براي عموم مزدم است ، همه بآيد از مندرجات آن استفاده نشريح مي كنبم .

كنند . پس بها هم حتى المقدور بطور. هامبانه شر ابن موضوع را برای دما

اخبار شقرمی امضاى معا هده الم از قرار اطلاع مستقيمي که اربا الهر بهبتت وزراء عظسام رشيده است معاهده البين دو اتين عثمانى وأ أنكامس بامضای طرفین رسیده اجراخواهدشد ارسال اعانه از قرار أطلاعی که بوزارت امور خارجه رسبده است اداره فيحطى تزدكان وسبه يك ميلخ أعانه برأى زلخزنه ديد. كان أربت أوسط نساي:د. سباسي ايران إقسال تموده اند الم الم سان اموده ارد استعظلاص محبو سین کار ایر بیا أبوجت الحلاعي كه اذ آد: بابعهان فمقاذر للكرافا يوزارت جاركيه رسبتدة ولت آذربا جان حکم محبونین إیرانی المحكمة بحل حكوك بودند مادر قمو دي سه نغر از آن ما دا قبلا مستخلص بقبه را قين بغوجب حكم فوقالذكر مه بخلص المرودند الم المالة ا فتح فظا ميان the hast از قرائر اطلاعات واصله بك عده از شرارت و ياغي كرى اذ جدى قبسل

انمقاد حشن 💦

سفارت جتبن بإشکوهی منعقد و بموغب عو ای که از آقای رایس آلوزراء و آ قایان وزراء شده بود در سفارت حظور ايم رسا نبده يُذير أكي بعمل آمد المحر مكت كاو كذار

. آقای معاضد الوزار. که ازطرف وزارت امور خارجه بسمت کار کذاری كرمان منصوب شده يودند صيسح روز جمعه بطرف كرمان حركت كودند

5959 M البموجب راپر ای که زوز کندشته اکېلان ئېمو کښتر رسېده است آقای آقا مبرزا سابمان خان حکمران کلان ب شنبه وارد رشت شده شروع به قدامات تحوده اند 👌 🐂 🚓

ورود وإقدام

از قرار دايوت نالكوا في كه از ربت بمر کن وسیده است ک کستودان وارد و فورا شروع متحقيق (عهد المفات وعده بي خانمان و تشلغي کروراي باقى ما نده كان از زازله يفوديت لازم است المودة است المجيو و م

Je grythans in little ...

م ماريام وي جالي آهاي مي محمد سريعتمداد أمرناقي فغابتهم معترم توريع -بادم مجلى يشعور فجارها اقدن ملوعاته المطاعي الترقيطم حراي مرسم والمسط هما يوقى مقتخر كرديديد.

ا به مانه ایندو با بینها کرد. اسم استان در براه آخر Shall ar the Syntheside وسبده بنك وسيلة والج في كم جامل بك این طرف شده. بودند اخبرااینک،عسکم میزاد و جهار بوط شکی بوده است بعد نظامی برای سو بنوابی آن ها از خلر الدید کالی و ای آن اس که منه مرکت کردہ پس از جنسو زبو نورد 🚽 جو 🗢 ایت از قیاد بنجا کا از خارج اشرار "شابكات فاحدى خوردة، متوارى مسل وردم الد علق حرق الين وقع آلن منزم از نوی پاتیم بعار بردایته مصر روز کـذشته بمناسبت عبد. وبا آب آنها را خافوتن و ذغال فدونه املی دو ات فرانده ادر عد افت بلاتی ا در وایتون طروتر کاداده است آ ک

> 🕬 **ارىنىن لو،ن**ن مجادله با (شرلولشَّ لموس) الم الف ورَسَ الله ال محمحه نداشت زبرا فهمبده بود کمحا نم عوضوعاتی است به ما كمزيم يابه فلمكس ادادى وعنى آ رسن لوين اللغون من كند ؟ هلمس هم فمهمبده بجاى أوقاره [بإيد فكمو كرد ، * بهترا ابتنات كم تشمنا بتمتزل] العرف المرابد العراقية الثالية التجاج والمحا الوَيْبَيْ كَمْ هُمَهُ اش دَا بَامْتُكُورُهُ حَرْفٌ مَبْرُهُ بَقْتَمِي ﴾ بقدري ابن تحرف آخر را از روى متخوه الأنمك بتريداه ومنقل بندار مباءدكه فإلمجود الشطواب أحمل س ادا كرد كه در قل آرسن او بن آ لس ا خود. ا نمی لوانت پنهان کند ا کند ا انجاب اندود زبانه زده شخت منقل کردید بعد دوبار. محاده، ام خالا ما بلم كه بدلاقات شمل نا تله بشوم. . ٢٠ مليجق خلواهم شد الم الم الم الم المحت الم مرجعة المما المحد المحد المحد المحال المحتج المعاد المحت المحد الملمين كوشي المغو نرا بقلابش زده كفت المي كنام

كَرْد أزرؤس مَنَّا كَلْ أَمَرْقَهُ جَدِيدًا إبْطَلَاع

المامة الأساعند المراج المجار في المحاط

الله المن كنبد الم المسلم والمالية الم مسلمة المجاج مبد يك جكمي هذمني الرديد أمرد مثل أينكا اعقب، کلمهای میکردد کی بکوید بعد رو به کانی ما: کر ده مانبند حبری ازین صحبت ها سردر می آورد يانه ديد نه و اي بنجاره الوبي از حا ات غذ بخو د 1 . The second المبالاخرة هلمس در نافون كفت : - آ. . لمبز حرف شمارا مميدهم . . . خبلي خوب . . . خود ان از کردید ! . خطری : نبت ا جطوری ، ن المدس كلفت ? [أو أ أو بله من ما كريم ! الدر ٢٠٠] كر أورا مبكو تبد من أز بندر الن ا ان الكواف دارم كه حثياً 7 مجا السبد الخاطو جمع : آنوقت منظر،ديد آبي بؤد إو پن منلوب اشد لي ا سائيد ، ا الله العلمين : فَجُرَآ أو الله الله كارهارا النجام المكانين : الما برين شما وقت را اللك الكنهد أن هم

· 如果的研究之后, 如此的理论的是一个问题的考虑是是一些变动的

The spont of the line was all the second کانی مار من سه ذنر از آ ژ ا ن های شما را Survey & Walter & Constant لأزم فارم كانه دمار كفت ديك ملى دست كبرى خانسم مو خرما أي 1 س للمس من : ـــ بلي ال کانی مار کفت : - پس معلوم مېشو د مما دانېد خانه مرخرمالۍ کېټ و کېلست و حه کاره است . به المس در جواب کنت بلی و از شادی آب أختبار كفتا به أنتحجب دامي كسردم در بكروز هر دوشان کبر افتادند 🚽 👘 الله الم الم المر ٦ وان الرداشته المواه المتادلة الم ۲ اینجا دیگر کار تسام بیود خانم موخومانی هم بدست هدس افتاده بخود اقبال باارس اوين ه.راهی نکرد کم دفعه حواست از مجرای دیوار قرار كند الممكن نشد بكدفعة ديكرهم كبين للفون کار را خراب کرد بهجاره آرسن لوین جارمای نديد سدا زد : مهجو هلمس بن كرد بشرط سابق كفتى حاضرم مبتادله كنتم بركرد اطاعت

and the set of the set

يس هلمين كاني مار منتص العينات وا خواصته بکنساری برد و او را بقسمی راضی آند کر ا آرسن الوين جند كلمة محبت التعايد بعد ممت بېچارم آرسن لويېنۍ کړ قوت سرپنجه عشق خاند مؤخرجا أيءا اقتدار إوعرا مبدل يهبج ساخته بوتة ار کنت و یا سلبای خنین و حال عبدا می کفت و باز اجه مبخواهی ارسن لو بن ۲ بېچارم آ اسن لولېن با آ نېمه زر نکې و قدوت و پیت هم اندازی با صدای نجیف کمت از من جه می پرسیواضح است آزادی ماد مواذل دستانژ

را طالبهم و بهر فبسى باشد أزعهده آن بومبايم ولواينكم حجان لا قابل خو دم باشد الله بم وان الوست مبكم الهلمس كعفت : أأ يس قباط مبكان المنام شوايط راره. الأن حِرا إمتناع مي كُودي ؟ زمن او پن کفت: ۵ ناحال هر چه بو دراچع بخود
المن بو دو الى حالاد يكر بأى زنى دركاد است كه عاشق او هستم و جان ودل را در راه عشقش نثار می نمایم مه و الملسل أينجا متلك فرانية إلت نه انظبس نظر عثق بن منافع و خبالات شخصی بزنری داردمسی ا فهمی هلمس؟

شه، نا، قضبه حجج اسلام بکطرفی نشود ممکن نبست در انتخابات اقدام شود . نوزیم آمرفه

E amin à

بروجرد - دو روز است انجمهن نظار، مشنول اوزیع امرفه است و نا امروز عصری ۷۳۹ ورقه امرفه است و نا شده است آقای شریف الدوله هم عصر امروز شخصا در انجمن حاضر شدند حجون آقای تفه الاسلام از عضویت انجمن مشتعفی شدند آقای حاجی آقاا سمعیل بیچ ی ایشان از طرف حکومت انتخاب شدند

خلاص طبويات دائمله

مطالعات اختماعی مطالعات اختماعی از بولن ۰۰۰۰۰۰

نه تنها نتکبلات دولتی و اجتماعی شما باید نتیبو مردم امروز شما هم باید نتیبر یا بند ا فکاد و هـد ادك و دماغ های بوالمجب سیاست مداران تنها و طرز هنگر آنها هم باید نتیبر . كند باظكر شما و اروپائی این اندازه ازمم دور است نشی نوانیا ه این اندازه ازمم پیدا پیدا با شما دنك آنها رنك شما شونا با شما دنك آنها را قبول كنید یا باید طرز هكر میاناند آنها بتودیا آنها

بهمان دلبل کو آن ما تسرئی دا، آمن و آرویلان و او بیل دایه میرو تابل و بتی شتا میادله نیواهند فکر به نمان جت کمار سانها ی بارسه سانی یا علمت و خوب خودتان دا بنا تسخ ریدیهای دستی و جرخ جوبی ریسان ولیی دنهای دهای شما مون نیواهد کرد بیان دابل و بسه مزاران قابل دیکر آنها دانم شانهی توهد سانی خواهد کرد آن سبتم خواهد کرد

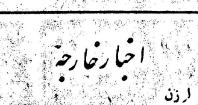
روزنامة كه مديرش بي سواد و ابى فىكر بإشد ادامه يبدا نخواهد كرد وقتى كاجهار نفر جوان فاضلو تحصيل یکوده کادراین محطورز می ایران نویبت نشده أباشند و المحصب لات خود ارا د د ا بن صنعت کا مسل کردہ باشند تبابند و قام دست بکبرند روز روز وبفرقت آبرده ديسكران را لحلبل مي برند لا جائي که آن ما را از بن · 此后下,你不是你的问题。" اله المرة والمراج 👘 المجالية 👘 🔥 سرطان المملما نان و زردشتبان برد الار آين موقع يا مجبور شديم قلم زا فار فست . آر فه و شرخن آراجع به القضى فمنسابا في كه الحبو الفد ميان منظما دان و درد منبان بر د او ابد شد. الم درسالي 1.1.1.1.1.1.1 ابرانى بإبد إقروز فراغ داخشلى نداشته بأشد ـــ ايراني هُما ابايد أدشت

العجاد و بسكا تسكى را پهمديسكر

داده اسف دت آرابسه اخو ایش از ا

نامین نمایند – ایرانی بایدازقمنایاتیک اجانب نحریك می كنند و میخواهند عدم بلوغ ونا امنی و بی لپاقتی ایرانو ایرانی زا كوشزد عالم نماینسد دوری كرده و احتراز جویند زردشتیان بیچاره در واه استقلالو سر بلندی ایرانی و ایران كوشهده و ازبدل جان و مال خود مضایقه ننمو ده اند

نمی دانیم این پی لوجهی عده از مسلمانان بزد ایچه ناویل آنیم درصوری که وظبقه ماها این است که همیشه باهم متحدا درآی نرقی و خوشیختی افیراد این آب و خاك بکوشیم



الندن المساقرار دادم صلح ادر لوزان منعقد كرديد بموجب ابلاغيه كدرلوزان اشاعت بافته است ابطوركاني لوافق نظرى درميا لل متنازع فبها يمنى استبازات و مسلمه للغلبة عثماني و يولى كه بابله با آن قروض عنما نی پرداخته شود حاصل شده الت 🔊 ()) بالمدكم المسافر فبق متكلف در مقبا ليسه فندرجه در زوزنامسه ابزوستها قسمت عثوان فنايج كنغرانس اوزان اشعبادمي دارد که کنفرانس لوزان بسورت ساعد ار از آنکه میکن بود برای مزمانیها ا تطابر داشت سنا نمه یافت در موقعی ک رشته كاو وو ثامين منافع خصوصي دول معظمه وسيد بدنبه ابت آنهبا فسأفع اقلبت کای طنل دا که بسکوتنی اسلحه کادی دست آنان سود از نظر دور هاشتهوا فياموش ساختند هسان طبقات ملت ارمنی که بکو قنی به حما بت انظیس و فراشه جنهاميد دوخته و دنه اكنون مبتوانند درك كنند كه ناجه انداز. در انتظارات خود خوش باور بودند همبنكه موقم حصول موافقت با اشراف عثماني فرا دسبد آنها فورا مواعبد قديمه وا فراموش قبودند 👘 👘 المن المنطور إلى مدلمه لصبمات حقوقي الياع خارجه در عثمانی که در این

معطوف می باشد و آمر اندازه رو سبه ساو می قـوی لر شود برای ملال مشرق مقبد خواهد بود (ب م)

المنافق المرد از ادر ا

*** باریس _ بعد از بك "سلـله متاورات بين أمايندكان عنماني ومتفقين بالأخرم موافقتي حاصل كرذيده نما يندكان حرائد أطلاءداد ندك كنفرانس اوزان عمليات خود را بعورت خوشسي لمسام نموده قرار است که نعد از یک مفته قرار داد ضلح أمضا كرود منتمله ناديه أنزيل قروض عنماني در قرار داد قبد تخواهدشد. متفقسين فقط به أعلامه صورى كه حقبوق طلب کاران خارجی عثما نیرا نا ئېد کندا کتما خواهند نمو د عتما في اظهار خو إهد داشت كه ناديه آن بايول كاغذى خواهد بود ا ب بحض لصوب قد ازداد صلح از طرف معجلس كسببر ملي عنماني فورا منفقين به لخلبه اسلامبول و بشاز ها مادرت خواهندنموده 🕺 ممثله امتيازات بوسبله مميمهميموسي به قرار واد الظهم خواهدشده مکنتا جنکی ماجق T لمایمی موسوم به و کو بن ه ابه عنما نی تستر د لخواهد (r· · ·) A LAND A. 1.

زنو – شورای مجمع تا قداق مال مسمم معوده است که از آفیطن تعویش مجمع مال قاما تماید که پیشیمناهای اعمای کدمیون فریاك را نموقع آخیر ا در آوراند و نسبا حاطر تمان ساخت است که جس ابتستار و رقت بعا شدگان است که جس ابتستار و رقت بعا شدگان کمیپون حد کورداشته است

واشتکتون و یو آناه بخصیم فلوده است که در ملت سه مالی آینده حداقسل قوای بعوینسه خواه راهمیشه حاض خدیدت و مستد کر تساه دارد . وز ارت بخویسه امریسا در آیم کوام خود پیشنهاد. نموده است که کلیه قوای جنگی بعویه مستعد کار باشند و سفاینی که دولت آمریسکا حق دارد بقوجب معاهده دول معظمه نجکانه هسته داشته ساشد حیاضیو

نقشه برای نهبه ارزاق در نظر کبرد 500 · · · · · · · · منکو 🚊 بطوریکہ خبر دادہ میں و هفت دو ات شوروی روسیه که عیارت از او كرانى و دوسية سقيد وياوراء ومقاز ا آ ذر بایجان و کریچنیتان و ارمنستان باشد المساد شباسي منظمي لشكسهل wind in a site of all all المجر مكوبا يتخت الحساديسة مذكو روالنين زئيس شوراي ممالك متحده خواهد بود . شورای مسد کور امور راجعه يسباست خارجي وأنظام وابتعريه و مالبه وللجارت را ادارم خواهد کره محکو نے بغاطرہ جشن سومین سال استخلاص مينك از اشغال لهبيتا نبها أز الحرف المجاد جماهير شاولى التمام سانی که در شکهبلات ملی کار و ایبضی بلوروسى كه بر خد شاوت كاسبس بافتسه بود شرک داشتند علوءمو می دادهشده عنو همو می او این حکمی است که از طرف

کمبته اجرافیه مرکزی منحدیسا درشد. است مرکزه نشته فیکی آز طرف شودای

مالی (اقتصاد ملی نرای ایندیان سیامت نفر سازی اینیه شده پیش بیش میکنند که محمولات فلز سازی از چول وفو ملبون یودیکه دو سال ۱۹۹۹ – ۱۹۹۸ نیبه می شونه در سال ۱۹۹۲ – ۱۹۷۸– به هفتام و خوار مایون یوه خواهسه

رسید لنهن -- قیستی از اعتصاب محفظ کان چنسدر لیور یون بر شرکار دفتند کار کران کاردیف در این کرون

ا **دلان ن** معلم زبان انکلیسی

زبان انکلبی ندریس میدود اشخاصیکه مایل باشند در شن **باه خواندن** د ^{قو} شن و سحبت کردن زبان انگلیبی را احصیل کیند از ساعت مو ب**ظهر الیم** ظهر مطبقه برسفور رجوع فرمایند تصر**م اهلان ۸۲**

ال م شاره ۲۹

اظهار داشتند کا وقتی که کار فرمایان لقاضاهای آنهاراقبول نسکرده انداعتصاب را ادامه خواهند داد لپدر های رسمی هنوز در نظریه منمی خود نسبت اعتصاب باقی هستند دربیانبه که ازطرف کمپته مرکزی اعتصاب انتشار داده شده است اشعار مېشود که اعتصابي که لیسدرها اصوب نسکردند نوسعه چی نظهری یافته

(ب. . م) میکو ــ در تمایش کاه روسبه که در سکو ناسبس می کردد قستی به نام و قویه ، ناسبس می شود کوقریه امروزه روسی راد رنه ناسبه عمده و همچنین شکل قریه آیاد آمروزی را که بسوان از روی آن به ایر کپه قراء روسی در شمال و مرکز و میتوپقپاس قمود نمایش خواهدداده

در متابل خانهای دهتانی کوچه بلرز اسلاح شده جدید نسایان خواهد در قابل ایب سنتن دهتانی و منابع یدی نواخی قربوطه قبایش دامه می عود ی خاص اوما جلب کنی ا قابل قدامی و جایز اجاب بوای خوی کنی قدامی در سنک وارد بی شوی کنی قدامی جامل بیست دستاه ماهین قدامی کنی جامل بیست دستاه ماهین قدامی کنی

ی فریا شروع خواهید زند ر افغانه

كجردان جارن بواد هد ارتاه

why are the game

and the states of

یاویس فرانگ فرانگ این ۱۹۹۰–۹۷ ۱۹۹۰–۹۹ بال ۱۹۹۰–۹۹ ۱۹۹۰–۹۰

فر و ش قران قران ۲–۲۰ ۲–۲۰ ۲–۲۰ ۲–۲۰ ۲–۲۰ ۲–۲۰ ۱۹۶۲ ۱۰۰ ۲–۲

معلط بي شقوي

طهوان غرید فروش قران قران اندن مکتو بی ٦٥–٢٦ ٥.٤–٧٤ ه اسکرانی ۵-۳–٢٦ ٢٠٤–٧٤ ۲۰–۷۵ ۱۹۶۰ بو بورك ۲۹–۲۹ ۲۰–۴۱۹ ۲۰–۴۹

حرك باشندة بموجبة وإرداد مذكور دوات إمريكا مي اواند هيجده فسرونيد سفينه جنكي منظمو ١٤ عدد مكروازرو ٨٤ احت البحرى داشته بسا شده عات الخاذ ابن الصمهم آن است كه نظامنامه بيعريه متعقده بين دول خصمة معظمه هتموز حالت قطعيت أيغود تكرفته وأأفرات فد لصويب (لا الخبر، فيلما به ا (G) States of Sader المهن علم المتوز المبتري در وضغبت أغنصا بكار كران كشنى خازى الملمثان حاصل کشه، اعت و کار آران جنهان امايلسى أبسه الاعت از المحكام البدر های خود نشان لداده اند و طال شروع المكار المستند فيفت آدو قد النفن الرقى تعوده أعيت دولت در لطر أماره كه سنا تعد اعتداب مسي شدن المايد

همبنطور مدلمله لخفيفي كه مسلمه حقلوتي دار ندکان خارجی کاغذ کای عثما نے مردوط شد دارای اهمیت است در حقیقت عدما نی النزيل قروض را با يول كاغة الاديسه خواهه ندود اختبقا لي كه عثما تي إقامه الدوده أتح أملل مدرق زمين شمر ددمي شواد علت این فتح حجمه بود همان نکمته که الاز بالای کنارانی لوزان سایه اوسیه عاولي تلودار بود از طرف ديكر للولا <u>مر</u> تجمهوري شاولي بالدازة در بين ملل مدربي زمين راسوخ يافنه و لموت كوفله اهت که جهانه کبران امتدماری محمود همتاه ابن حبثبت و نلود را ذر الجر کو فنه و بنوای دل جو آی از ملله تمظلومه مشرق و لفنعيف شايسان آلها بطوف هو كاز ساو في به قادن المغمقات الشين جَوَيْهُدَ شَكَّى أَبْسَتْ كُلُّ الدَّايَلَاتُ أَنو هُدْهَاى كمتبره ملل مشرق بطرف ووعبهساوالى

قضبه الركها الواقستند ليرسر حرف خود